

مجله‌ی شعرپژوهی (بوستان ادب) دانشگاه شیراز
سال ششم، شماره‌ی اول، بهار ۱۳۹۳، پیاپی ۱۹

بررسی سمبولیسم اجتماعی در سروده‌های دهه‌ی سی مهدی اخوان‌ثالث با تکیه بر کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲

سیداحمد پارسا* فرشاد مرادی**
دانشگاه کردستان

چکیده

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، تأثیرگذارترین رویداد تاریخ معاصر است که بر ذهن و زبان و بیان شاعران تأثیرات آشکار به‌جا گذاشته است. مهدی اخوان‌ثالث از نوپردازان معاصر است که شعرش آینه‌ی تمام‌نمای تجلی این رویداد و پیامدهای آن در جامعه‌ی ایران است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از تکنیک تحلیل محتوا، چگونگی انعکاس پیامدهای کودتا را در سروده‌های پس از کودتا تا ۱۳۴۰ مهدی اخوان‌ثالث بررسی کرده است. نتیجه‌ی پژوهش نشان می‌دهد که اخوان‌ثالث با بهره‌گیری از وزن و بحر عروضی مناسب، جمله‌های کوتاه، تکرار فعل‌ها، استفاده از قیدهای کثرت، شک و تردید و افعال منفی، پیامدهایی نظیر سقوط دولت مصدق، زندان، اعدام، کشتار و پناه بردن به افیون و باده را با زبانی نمادین و با رویکردی اجتماعی و نو در سروده‌های خود نشان داده است. واژه‌های کلیدی: سمبولیسم اجتماعی، شعر معاصر، کودتا، مهدی اخوان‌ثالث، نمادگرایی.

۱. مقدمه

تحولات اجتماعی همواره در شکل‌گیری جریان‌های ادبی، نقشی بسزا دارند. یکی از این جریان‌ها، سمبولیسم اجتماعی است؛ «جریانی که نسبت به آرمان‌های انسانی و اخلاقی، خود را متعهد و مسوول می‌داند و برای شعر، مسوولیت و رسالت اجتماعی و

* استاد زبان و ادبیات فارسی dr.ahmadparsa@gmail.com

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی farshadmoradi56@yahoo.com (نویسنده‌ی مسوول)

سیاسی قایل است؛ به تعبیر دیگر، شاعران این جریان بر این باورند که هنر و شعر باید در خدمت اجتماعی و تعالی نوع بشر باشد. (شمیسا و حسین پورچافی، ۱۳۸۴: ۴۰) شاعران این جریان با احساس تعهد در برابر جامعه و به‌کارگیری زبان نمادین، می‌کوشند تا وضعیت حاکم بر جامعه‌ی خود را بهتر ترسیم کنند. یکی از این شاعران، مهدی اخوان ثالث (۱۳۰۷-۱۳۶۹ ه.ش) متخلص به م. امید است که توانست مسایل اجتماعی عصر خویش به‌ویژه کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و پیامدهای آن را در سروده‌های خود، منعکس کند و با به‌کارگیری دو ویژگی محوری و بنیادین سمبولیسم اجتماعی یعنی «نمادگرایی» و «جامعه‌گرایی»، رسالت شعری خود را ادا کند.

شمار قابل توجهی از سروده‌های نمادین اخوان ثالث، با وقایع اجتماعی در ارتباط است و تفسیر و درک آن‌ها، جز با شناخت این وقایع، ممکن نیست. به عنوان مثال، شعر «تسلّی و سلام» جز با درک و فهم درست علل سقوط دولت دکتر مصدّق، قابل تفسیر نیست و شعر «بازگشت زاغان» به بازگشت محمدرضا شاه پهلوی و دارودسته‌ی او اشاره می‌کند؛ شعر «نادر یا اسکندر» به پیامدهای کودتا و سروده‌ی «چاووشی»، به موضع‌گیری مردم و راه‌حل‌های پیش پای آنان پس از کودتا اشاره دارد؛ از این رو، پژوهش حاضر به بررسی سمبولیسم اجتماعی در سروده‌های دهه‌ی سی اخوان ثالث با تکیه بر کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ می‌پردازد.

شناخت بهتر اوضاع اجتماعی دهه‌ی سی، معرفّی‌تر جریان سمبولیسم اجتماعی فارسی، درک و فهم بهتر نقش اخوان ثالث در این جریان شعری، شناخت میزان موفقیت او در این عرصه و کمک به فهم بهتر معنای سروده‌های وی، از راه بررسی نمادها و روابط حاکم بر آن‌ها با تحولات اجتماعی، از اهداف پژوهش حاضر محسوب می‌شود.

روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی است و داده‌های پژوهش با استفاده از تکنیک تحلیل محتوا و به شیوه‌ی کتابخانه‌ای و سندکاوی، بررسی شده است.

تحلیل سروده‌های اخوان ثالث از اوایل دهه‌ی چهل، با نقد و بررسی‌های شفيعی کدکنی (۱۳۷۰: ۹-۴۷) و فرخزاد (۱۳۷۰: ۷۵-۹۳) آغاز شد و تا امروز ادامه دارد. از این دهه به بعد نیز مقالات متعددی شعر اخوان را از جنبه‌های گوناگون بررسی کرده‌اند که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به مقالات مندرج در یادنامه‌های اخوان، تحت عناوین باغ بی‌برگی و ناگه غروب کلامین ستاره اشاره کرد.

۵۷ ————— بررسی سمبولیسم اجتماعی در سروده‌های دهه‌ی سی مهدی اخوان ثالث...

علی تسلیمی، شعر «آن‌گاه پس از تندر» را دارای نمادی اجتماعی می‌داند: «شعر به تدریج دارای نمادهای اجتماعی می‌شود؛ اما به ابتداء کشیده نمی‌شود؛ زیرا نمادها در بافت شعر، ناخوشایند نیستند.» (تسلیمی، ۱۳۸۷: ۷۸) براهنی نیز در *طلا در مس*، کتیبه را سمبول می‌داند: «در شعر کتیبه‌ی اخوان، برای خواننده‌ای که شعر را با تمام وقوف می‌خواند، کتیبه یک سمبول است... کتیبه تجلی آمل و آرزوهای مردم است.» (براهنی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۲۷) فروغ فرخزاد نیز در تفسیر شعر «میراث»، پوستین را سمبول می‌داند: «پوستین سمبول معنوی فقرزده و پوسیده است. او نوکردن آن را طلب می‌کند؛ نه به دور انداختن آن و قبول جبهه‌های زربفت و رنگین را که ظاهرپرستی و زردوستی جامعه را نشان می‌دهد.» (فرخزاد، ۱۳۷۰: ۷۹) پارسا در بررسی سمبول‌های شعر اخوان، با تکیه بر شعر «تسلی و سلام»، برخی از نمادهای آن را رمزگشایی کرده است: «اخوان شعر «تسلی و سلام»، «نادر یا اسکندر» و «راوی» را که دو بیت آخر همان «نادر یا اسکندر» است، در ارتباط با کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ سروده است.» (پارسا، ۱۳۸۸ الف: ۹) فولادی، ضمن تقسیم‌بندی زندگی و شعر اخوان به سه دوره، دوره‌ی پس از کودتا را پربارترین دوره‌ی زندگی شعری وی می‌داند: «دوره‌ی میانین (از کودتا تا ۱۳۴۴) پربارترین دوره‌ی زندگی شعری اخوان است که محصول آن، نوسروده‌های مجموعه‌ی *زمستان* و مجموعه‌های *آخر شاهنامه* و *از این اوستاست*. اخوان در این دوره، برترین شاعر سمبولیسم اجتماعی ایران است و با تأثیرپذیری از کودتای ۲۸ مرداد، به آفرینش منظومه‌های حماسی - اجتماعی بلندی چون «زمستان»، «چاووشی»، «کتیبه»، «قصه‌ی شهر سنگستان»، «مرد و مرکب»، «آخر شاهنامه» و... می‌پردازد. عمده‌ی اعتبار شعری او از آن‌هاست.» (فولادی، ۱۳۸۴: ۱۳)

نمادین و رمزی بودن، اصلی‌ترین نکته‌ای است که در تحلیل منظومه‌ی «شکار» اخوان ثالث، از سوی عبدالأمیر چناری ارائه شده است: «شکار، منظومه‌ای سمبولیک است و هریک از اجزا و عناصرش، رمز چیزی ویژه؛ مرد شکارچی، رمز انسان است که در طول عمر، در پی صید آرزوها و امیال خویش، در جنگل هستی می‌دود و هربار یکی از آرزوها را صید می‌کند؛ جنگل، رمز نظام هستی است که چنین طراح‌ی شده است که ما انسان‌ها دائم در تلاش و تکاپوی رسیدن به خواست‌های خود باشیم؛ اما همواره در نقطه‌ای غیرقابل‌پیش‌بینی از میان می‌رود و امید رسیدن به آرزوها، سرابی بیش نیست...؛ پلنگ، نماد مرگ است.» (چناری، ۱۳۸۱: ۱۰۵) «تحلیل و بررسی سروده‌ی نادر یا اسکندر اخوان» از سیداحمد پارسا (پارسا، ۱۳۸۸ ب: ۳۵-۴۸)، «تأویل

نشانه‌شناختی ساختارگرای شعر «زمستان» اخوان» از علیرضا انوشیروانی (۱۳۸۴: ۵-۲۰)، «نقد فرمالیستی شعر زمستان» از حسین خسروی (۱۳۸۹: ۷۵-۱۱۳)، «م.امید (مهدی اخوان‌ثالث) در میانه‌های یأس و امید» از علی احمدپور (۱۳۸۸: ۷۱-۹۰)، «معنا، زبان و تصویر در شعر آخر شاهنامه از مهدی اخوان‌ثالث» از علی نوری و احمد گنجوری (۱۳۹۰: ۱۱۳-۱۴۵)، «دغدغه‌های سیاسی در شعر بدر شاکر سیاب و مهدی اخوان‌ثالث» از جهانگیر امینی و فاروق نعمتی (۱۳۹۰: ۷۱-۹۸) و «دغدغه‌های اجتماعی شعر عبدالوهاب البیاتی و مهدی اخوان‌ثالث» از فرهاد رجیبی (۱۳۹۰: ۴۷-۷۵) نیز به بررسی برخی سمبول‌های شعر اخوان پرداخته‌اند.

انتظار می‌رود نتیجه‌ی این پژوهش به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱. مهدی اخوان‌ثالث برای بازتاب کودتا و پیامدهای آن، از چه نمادهایی بهره گرفته است؟

۲. کدام یک از پیامدهای کودتا، سبب نمادآفرینی در شعر دهه‌ی سی اخوان است؟

۳. اخوان‌ثالث برای انعکاس کودتای ۲۸ مرداد و پیامدهای آن، از کدام ظرفیت‌های بیانی و زبانی استفاده کرده است؟

۲. سمبولیسم اجتماعی

سمبولیسم اجتماعی از جریان‌های تأثیرگذار و مهم در شعر معاصر فارسی است. برخی پژوهش‌گران شروع این جریان را از سال ۱۳۳۳، یعنی سال پس از کودتا می‌دانند: «از سال ۱۳۳۳ به بعد، اصول و مقررات شعری، پخته‌تر شد؛ رمانتیسم رایج در شعر، روی به زوال نهاد و اندک اندک نوعی «رمزگرایی اجتماعی» در شعرها آشکار شد. شعر اجتماعی رمزگرا، آن‌گونه که در آثار م. امید و ا. بامداد در سال‌های میان ۱۳۳۳ تا ۱۳۴۰ منتشر شد، حوزه‌ی شعر فارسی را از هر جهت تازگی و حرکت بخشید.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۷: ۱۲۹) شاعران این جریان در رویکرد سمبولیستی و جامعه‌گرایی خود با دیگر شاعران این دوره تفاوت‌هایی دارند که سبب امتیاز آنان می‌شود. «شعر شاعران این جریان از پشتوانه‌ی نوعی درک و دریافت فکری و فلسفی برخوردار است و همین مسئله، شعر این شاعران را از اشعار شاعران رمانتیک جامعه‌گرا و انقلابی که با حفظ هویت و شخصیت غنایی و رمانتیک خود، گشوه‌ی چشمی هم به مسایل اجتماعی و سیاسی دارند، متمایز می‌کند. همین‌طور اعتقاد این شاعران به تعهد و التزام در برابر

۵۹ ————— بررسی سمبولیسم اجتماعی در سروده‌های دهه‌ی سی مهدی اخوان ثالث...

جامعه و اصول انسانی و اخلاقی، شعر این شاعران را از اشعار غیرمتعهدانه و فردگرایانه‌ی دو جریان شعر «موج نو» (پیروان احمدرضا احمدی) و شعر «حجم‌گرا» (پیروان یدالله رؤیایی) که داعیه‌دار نظریه‌ی «هنر برای هنر» یا «شعر ناب» و «شعر محض» بودند، جدا می‌کند.» (شمیسا و حسین پورچافی؛ ۱۳۸۰: ۲۸)

اگر بپذیریم که نمادگرایی و جامعه‌گرایی، دو ویژگی اصلی جریان سمبولیسم اجتماعی در شعر معاصر فارسی است، باید شروع واقعی این جریان را از عصر مشروطه به حساب آوریم. شاعران این عصر از ظرفیت‌های اسطوره‌ای، غنایی، تلمیحی، مذهبی و سایر گستره‌های بیانی ادب فارسی در راستای بهره‌گیری نمادین از زبان استفاده می‌کردند؛ به عنوان نمونه می‌توان از میرزاحمد فرخی یزدی نام برد که دلدادگی کوه‌کن را نماد آزادی‌خواهانی چون خود دانسته که در راه مبارزه برای آزادی، ثابت و استوار، ایستاده‌اند و با تیشه - نماد تلاش برای آزادی - بنای ظلم را از ریشه برمی‌کنند.

از تیشه و از کوه گران یاد بیارید سرمشق در این کار ز فرهاد بگیرد
(فرخی یزدی، ۱۳۶۳: ۱۲۱)

با وجود این که نمادگرایی و جامعه‌گرایی از عصر مشروطه آغاز شده است، به سبب تلاش‌های مستمر و مطالعات آگاهانه و دقیق نیما در راستای نمادگرایی و با شدتی کم‌تر، جامعه‌گرایی، بیش‌تر پژوهش‌گران، او را آغازگر این جریان در ادب فارسی می‌دانند. «سمبولیسم اجتماعی با نیما یوشیج در ایران آغاز شد و با اخوان ثالث، شاملو و دیگران ادامه یافت. سمبولیسم اجتماعی تحت تأثیر شرایط اجتماعی ایران - به ویژه شرایط پس از کودتای ۲۸ مرداد - شکل گرفت و علی‌رغم برخی شباهت‌های آن با مکتب سمبولیسم، ویژگی‌های خاصی دارد که آن را از مکتب سمبولیسم اجتماعی جدا می‌کند.» (پارسا، ۱۳۸۸: ۳۷) شمیسا و حسین پورچافی، تکیه و تأکید شاعران سمبولیسم اجتماعی فارسی بر عینیت و واقعیت موجود در این جهان، احساس تعهد در برابر مسایل و مفاهیم سیاسی و اجتماعی و آرمان‌ها، آرزوها و دردها و دریغ‌های انسانی یا به تعبیر بهتر، دارا بودن ویژگی‌های محوری و بنیادین جامعه‌گرایی، توجه به درک و دریافت‌های فکری و فلسفی در کنار تخیل شاعرانه و قایل بودن به داشتن پیغام در شعر برای مخاطب را از تفاوت‌های اساسی سمبولیسم اجتماعی ایران با مکتب سمبولیسم اروپایی می‌دانند. (شمیسا و حسین پورچافی، ۱۳۸۰: ۳۲)

۳. تأثیر کودتا بر شعر دهه‌ی سی

در دهه‌ی سی، وقایع بسیار مهمی روی داد که هریک به نوعی، جامعه‌ی ایران و ادبیات فارسی - به‌ویژه شعر- را تحت تأثیر قرارداد. «ارتباط ایران با آمریکا، کودتای ۲۸ مرداد، تشکیل ساواک و تسلط روحیه‌ی استبدادی، ازهم‌پاشیدگی حزب توده، ورود جدی نیروهای مذهبی مخالف رژیم و قیام پانزده خرداد، از حوادث مهم این دو دهه است که بر فضای جامعه و از جمله شعر، تأثیر گذاشت.» (زرقانی، ۱۳۸۳: ۳۷۰)

مسئله‌ی مؤثرترین و مهم‌ترین رویداد تاریخ معاصر ایران، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است که نتایج مثبت و منفی آن بر جامعه، ادبیات و سایر شئون زندگی ایرانیان، تأثیر گذاشت. برخی وقوع کودتا را برای شعر فارسی، ناخوشایند و برخی، آن را مثبت می‌دانند. «کودتای ۲۸ مرداد، سرآغاز جریانی تازه در شعر فارسی است که شاعران متجدد نتوانستند خارج از سایه‌ی تأثیرات منفی آن زندگی و شاعری کنند. هر دو گروه، هم شاعرانی که ذاتاً سیاسی بودند و به شاعر سیاست معروفیت دارند [معروفند] و هم شعری که اصولاً سیاسی نبوده‌اند، بازتاب‌های ناخوشایند استبداد و استبدادزدگی ناشی از کودتا را در شعر خویش نشان داده‌اند.» (براهنی، ۱۳۶۶: ۱۷)

با وجود پیامدهای منفی کودتا بر فضای جامعه و شعر فارسی، موج ارباب، سانسور، تهدید، زندان و اعدام، برای ادب فارسی - به‌ویژه شعر - نتایج مثبتی هم داشت. (ر.ک: شفیع‌کدکنی، ۱۳۸۷: ۱۲۹)

تازگی و حرکتی که کودتا و پیامدهای آن در شعر فارسی ایجاد کرد، منجر به پیدایش جریانی به نام سمبولیسم اجتماعی شد. «شیوه‌ی استبدادی و دستگاه پلیسی خشن سبب شد تا جهت‌گیری کلی شعرهای سیاسی، به طرف سمبولیسم، تنظیم شود و این نوع شعر رواج فراوانی بیابد. این سال از مهم‌ترین دوره‌های رواج سمبولیسم اجتماعی در شعر معاصر است.» (زرقانی، ۱۳۸۳: ۳۷۱) رواج سمبولیسم اجتماعی علاوه بر شعر شاعران متعهد و جامعه‌گرا، بر دیگر شاعران نیز تأثیر گذاشت. «شاعران رمانتیک، پس از کودتا بیش‌تر به شعر تلخ- که گاهی در همان ساخت‌های ساده گفته می‌شد- گرایش پیدا کردند که باید نمونه‌هایش را در اشعار توللی، کارو، نصرت رحمانی، بهمن صالحی، فریدون مشیری، شاملو و فرخزاد دید.» (تسلیمی، ۱۳۸۷: ۳۱) بی‌گمان مهدی اخوان‌ثالث نیز - که به تصریح خود درون‌مایه‌ی بیش‌تر سروده‌هایش اجتماعی است - از این تأثیرات برکنار نمانده است.

۳. ۱. تأثیر کودتای ۲۸ مرداد و پیامدهای آن بر شعر اخوان ثالث

جامعه‌گرایی و احساس تعهد و التزام به ادای رسالت اجتماعی در شعر اخوان ثالث، سبب شد تا عده‌ای وی را شاعری کاملاً سیاسی به‌شمار آورند: «اخوان یک شاعر عمیقاً سیاسی بود. پس از مرداد ۳۲ از جانب چپ رفته‌رفته به نوعی آنارشیزم و سپس ناسیونالیسم گرایش پیدا کرد؛ ولی همیشه سیاسی باقی‌ماند.» (دریابندری، ۱۳۷۰: ۲۴۷) بعضی نیز او را بی‌علاقه یا بی‌اطلاع از سیاست نامیدند. «اخوان یک شاعر سیاسی است بی‌آن‌که به سیاست چندان گرایش یا از آن چندان اطلاعی داشته‌باشد یا صریحاً به آن تظاهری کند (زیرا که شعر جای این تظاهرات نیست).» (بهبهانی، ۱۳۷۰: ۲۰۰) وجه مشترک این دو نظر افراطی و تفریطی درباره‌ی سیاسی بودن یا نبودن اخوان، در این است که هر دو قایل به تأثیرپذیری اخوان از مسایل اجتماعی و سیاسی هستند و شعر اخوان را تجلیگاه اوضاع اجتماعی ایران معاصر می‌دانند و این نکته‌ای است که عموم پژوهشگران در آن اتفاق نظر دارند: «اخوان ثالث نیز همچون نیما و شاملو در اشعار خود با دغدغه‌های اجتماعی روبه‌روست و عدالت اجتماعی از موضوعات مهم سروده‌های اوست. نوسان‌ها و دگرگونی‌های اجتماعی زمان اخوان به شدت در روحیه‌ی او و در مضمون اشعارش اثر گذاشته است؛ به ویژه پس از شکست‌های پی‌درپی سیاسی، به نوعی یأس و سرخوردگی دچار شده است.» (حسن‌لی، ۱۳۸۳: ۳۸۵)

برخی از پژوهش‌گران معتقدند که شعر اخوان ثالث بیش‌تر از دیگران، عرصه‌ی انعکاس رویدادهای دهه‌ی سی است: «این درست است که مقطع تاریخی سال سی و دو، بر فضا و جوهره‌ی فکری همه‌ی دست‌اندرکاران سال‌های دهه‌ی سی اثر گذاشت؛ اما میزان این تأثیر بر شعر هیچ‌یک از آنان به اندازه‌ی شعر اخوان، مستقیم نیست.» (حقوقی، ۱۳۸۳: ۱۲) مختاری نیز درباره‌ی تأثیر وقایع تاریخی بر شعر اخوان، همین عقیده را دارد. (ر.ک: مختاری، ۱۳۷۲: ۱۳)

پس از مرور نظریات دیگران درباره‌ی تأثیرپذیری اخوان از کودتا و پیامدهای آن، به بررسی نظریات خود وی می‌پردازیم. او ضمن تأکید بر اجتماعی بودن شعر خویش، بازتاب‌دهندگی وقایع و احساس تعهد در برابر جامعه را مهم‌ترین ویژگی شعرش می‌داند: «غیر از بعضی شعرهای غزلی یا شعرهای کوتاه دیگر، بقیه و سواد اعظم شعرهای من، جهت اجتماعی داشته؛ جهت سیاسی داشته؛ بدون این‌که من سیاست را صریحاً و مستقیماً، چه در شعر نوام، چه در شعر کهنه‌ام، آورده‌باشم.» (اخوان ثالث، نقل از کاخی، ۱۳۷۱: ۳۵۳) نظر وی درباره‌ی محتوای شعر نیز می‌تواند در این زمینه راه‌گشا

باشد: «من در واقع تنها شعری را شعر می‌شناسم که اجتماعی باشد یعنی این‌که جای انسان پوینده را و جای انسان هنرمند را در زمین و زمانه مشخص کند و نشان بدهد که انسان اهل کدام‌یک از طرفین مبارزه هست، بین حق و ناحق و باید خودش را مشخص کند که از کدام اردوست؛ اردوی ناحق و ستم یا اردوی شرف و رنج و زحمت‌کش و مبارزه‌ی انسانی.» (همان: ۲۳۰)

اخوان‌ثالث در سروده‌های پس از کودتا به تناسب موقعیت، گاه به زبان نمادین روی می‌آورد (مانند زمستان) و گاه با بهره‌گیری از کنایات و استعارات و با اندکی صراحت یعنی آمیزه‌ای از رئالیسم و سمبولیسم، به آن اشاره می‌کند که بهترین نمونه‌ی آن، سروده‌ی «نادر یا اسکندر» است. از نظر قالب نیز چون «اخوان استاد در هر دو شیوه‌ی کلاسیک و نیمایی و در واقع پیونددهنده‌ی این دو شیوه به‌شمار می‌رود، در به کارگیری نمادها، محدود به قالب خاصی نیست.» (پارسا، ۱۳۸۸ الف: ۴۰)

نخستین واکنش اخوان‌ثالث در برابر کودتا و پیامدهای آن، از یک سال پس از کودتا (آزادی از زندان) یعنی سال ۱۳۳۳ آغاز می‌شود و اوج آن در سال ۱۳۳۵ است. «وقتی که من دیدم چه بلایی سر مصدق آمد، شعر «نوحه» یا قصیده‌ی «تسلّی و سلام» دیدی دلا که یار نیامد الخ را گفتم و به پیرمحمد احمدآبادی تقدیم کردم که خود مصدق بود.» (کاخچی، ۱۳۷۱: ۳۵۴)

نخستین سروده‌ی وی در این دوره، «فریاد» و فرجامین آن، «و ندانستن» نام دارد. سایر سروده‌ها و سال سرایش آن‌ها به ترتیبی است که در جدول پایانی آمده است. در این جدول زیر سروده‌هایی که با کودتا یا پیامدهای آن ارتباط دارد، خط کشیده شده است.

۲.۳. سقوط دولت مصدق

نخستین پیامد کودتای ۲۸ مرداد و اصلی‌ترین دلیل سازماندهی و اجرای آن، سقوط دولت مصدق بود. اخوان‌ثالث «تسلّی و سلام» را در واکنش به این پیامد سرود. این سروده از مجموعه‌ی «ارغنون»، دارای نوزده بیت و در وزن مفعول فاعلات فعولن و بحر مضارع اخرب مکفوف محذوف سروده شده است. وزن ضربی و کوتاهی جملات و کثرت افعال موجود در آن، با موقعیت ذهنی اخوان‌ثالث متناسب است و حالت شوکزدگی ناشی از کودتا را القا می‌کند. شروع شعر با واژه‌ی «دیدی»، ضمن نشان دادن

۶۳ _____ بررسی سمبولیسم اجتماعی در سروده‌های دهه‌ی سی مهدی اخوان ثالث...

لحن گفتاری، عامیانه و صمیمانه - که متناسب با گفت‌وگوی مرید و مراد است - بیانگر غیرمنتظره بودن این رویداد است؛ گویی نه تنها انتظارش برآورده نشده که خلاف آن را هم دیده است و ناباورانه به روایتش می‌پردازد.

دیدِ دلا که یار نیامد؟! گرد آمد و سوار نیامد

(اخوان ثالث، ۱۳۶۹: ۱۰۸)

استفاده از نماد در این سروده از همان بیت آغازین شروع می‌شود «در این سروده، «گرد» نمادی است از نشانه‌های آزادی و رهایی و در تناسب با سوار، نماد دلاوری و نجات‌بخشی.» (پارسا، ۱۳۸۸ الف: ۹) این سروده‌ی ۳۸ مصرعی، حاوی ۴۰ جمله است که فعل ۳۶ جمله‌ی آن در شعر آمده و چهار جمله‌ی «دلا»، «ای باغبان»، «ای شیر پیر بسته به زنجیر» و «ای نادرِ نوادرِ ایام»، ندایی (خطابی) هستند و فعلشان به قرینه‌ی معنوی، حذف شده است. شعر بر اساس ردیف فعلی «نیامد» سروده شده و تمامی فعل‌ها بیانگر تناسب محتوا با مقتضای مقام و شأن سرایش آن است. فعل نیامد (۲ بار) و افعال سوخت، سوزد، بگداخت، فروریخت، غم خورد، پژمرد، خوشید و سود (فرسوده کرد) همگی بر محتوای ناامیدانه و یأس‌آلود و انتظار بیهوده‌ی شاعر دلالت دارند. فعل‌هایی نیز که بیانگر امید رسیدن به آرزوها هستند، با التزام افعال متضادشان، بر غلظت فضای یأس‌آمیز افزوده‌اند؛ مثلاً بیت سوم با «آراستیم» آغاز می‌شود و با «شکفتن» ادامه می‌یابد؛ اما به پژمردن می‌انجامد:

آراستیم خانه و خوان را و آن ضیفِ نامدار نیامد

بشکفت بس شکوفه و پژمرد اما گلی به بار نیامد

(اخوان ثالث، ۱۳۶۹: ۱۰۸)

در این سروده، «کاخ» و «چشمه»، نماد نجات‌بخشی و وحدت‌طلبی و به تعبیری، خود مصدق است که همچون نادرشاه افشار، بخت با او یار نبود:

ای نادرِ نوادرِ ایام کت فرّ و بخت یار نیامد

(همان: ۱۰۸)

و به این ترتیب، پایان ناخوشایند و نافرجام دولت مصدق را نشان می‌دهد.

۳.۳. زندانی شدن مبارزان

از پیامدهای کودتای ۲۸ مرداد پس از سقوط مصدق، می‌توان به دستگیری و زندانی کردن مبارزان اشاره کرد که عموماً از دو گروه بودند: حزب توده و طرفداران مصدق. در

فاصله‌ی پانزده ماهه‌ی کودتا تا آذر ۱۳۳۲ (تاریخ سرودن شعر فراموش)، بیش از هزار نفر دستگیر و زندانی شدند یعنی به‌طور متوسط، هر روز تقریباً سه نفر. اوج این دست‌گیری‌ها در شهریور ۱۳۳۳ بود که فقط در این ماه بیش از ششصد نفر دست‌گیر شدند. «در شهریور ۱۳۳۳ عده‌ی زیادی از زندانیان که اکثراً از سران حزب توده بودند، از اعمال گذشته اعلام تنفر و ندامت و به شاهنشاه ابراز وفاداری کردند. در این ماه، ششصد تن از اعضای شبکه‌ی نظامی حزب توده در ارتش دست‌گیر و به اعدام و زندان‌های ابد یا طولانی محکوم شدند.» (عاقلی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۷۵) البته این آمار، دست‌گیرشدگان طرفدار مصدق و مذهبی‌ها را نشان نمی‌دهد که با احتساب آن‌ها، وخامت اوضاع اجتماعی بیش‌تر آشکار می‌شود. (ر.ک: همان: ج ۲: ۵۶-۶۲)

برای بررسی تأثیر زندانی شدن مبارزان بر سروده‌های اخوان، شعر «فراموش» را برگزیده‌ایم که حبسیه‌ای است که وی در همان سال در زندان مشهد سروده است. عنوان شعر، فراموش، براءت استهلالی است که به زیبایی بیانگر محتوای آن است. در آغاز این شعر، «چشمه»، نماد بی‌دردان‌رها از بندی است که آسوده و مغرور و مست، شاعر را می‌نگرند: «با شما هستم من، آی... شما / چشمه‌هایی که از این راه‌گذر می‌گذرید! / با نگاهی همه آسودگی و ناز و غرور / مست و مستانه هماهنگ سکوت / به زمین و به زمان می‌نگرید.» (اخوان ثالث، ۱۳۷۰: ۷۰) در بند دوم، «چشمه»، نماد خودِ اخوان ثالث و دیگر زندانیانی است که در نگاه چشمه‌های بند اول، «کوچک بی‌نامند»؛ زندانیانی که هیچ‌کس ارزشی برایشان قایل نیست و با آنان سخنی نمی‌گوید و از این رو گم‌نام و بی‌سروصدا، همه را ترک می‌کنند و دیگران نیز آنان را به فراموشی می‌سپارند. «او در این دشت بزرگ، چشمه‌ی کوچک بی‌نامی بود / کز نهانخانه‌ی تاریک زمین / در سحرگاه شبی سرد و سیاه / به جهان چشم گشود / با کسی راز نگفت / در مسیرش، نه گیاهی، نه گلی، هیچ نرُست / رهروی هم به کنارش نشست / کفتری هم در او بال نشست.» (همان: ۷۱) «سبزه‌های تر» و «بوته‌های گل»، نماد بی‌دردانی است که زندگی عادی و روزمره‌ای دارند و مانند «چشمه»ی آغاز شعر، در ناز و نعمت و غرورند و در مقابل، «بوته‌ی وحشی»، نماد زندانیان در بند و گم‌نامی چون اخوان ثالث است که فراموش شده‌اند: «با شما هستم من، آی... شما / سبزه‌های تر، چون طوطی شاد / بوته‌های گل، چون طاووسِ مست / ... او بر آن تپه‌ی ثور / پای آن کوه کمر بسته ز ابر / دم آن غارِ غریب / بوته‌ی وحشیِ تنهایی بود / کز شبستانِ غم‌آلود زمین / در غروب‌ی

خونین/ به جهان چشم گشود/ نه بر او ره‌گذری کرد سلام/ نه نسیمی به سویش بُرد
پیام/ نه بر او ابری یک قطره فشاند/ نه بر او مرغی، یک نغمه سرود.» (همان: ۷۲)

۴.۳. حاکمیت جوّ اختناق سیاسی و اجتماعی

دو جریان عمده‌ی فکری مورد هدف تیر کودتا قرار گرفتند و نابود شدند؛ هرچند یکی از آن دو جریان - جبهه‌ی ملی - بعدها دوباره شکل و قوام گرفت. «کودتا جبهه‌ی ملی و حزب توده را نابود کرد و هر دو حزب با دست‌گیری‌های گسترده، نابودی سازمانی و اعدام برخی از رهبران روبه‌رو شدند.» (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۲۲۴) موج بازداشت و اعدامی که پس از کودتا آغاز شد و در سال‌های بعد به اوج خود رسید (ر.ک: عاقلی، ۱۳۷۶: ۵۶-۶۲) سبب سیطره‌ی جوّ اختناق و فشار سیاسی و اجتماعی در جامعه شد و خانواده‌های زندانیان - هم آن‌ها که در زندان بودند و هم آنان که آزاد شده و درگیر گرفتاری‌های پس از آزادی نظیر مشکلات اقتصادی و مخدوش شدن وجهه‌ی اجتماعی شده بودند- شد. سروده‌ی «پاسخ» محصول این سال‌ها -۱۳۳۴- و بازتاب همان جوّ خفقان است. «چه می‌کنی؟ چه می‌کنی؟/ در این پلید دخمه‌ها سیاه‌ها، کبودها/ بخارها و دودها.» (اخوان ثالث، ۱۳۷۱: ۱۲۲) آهنگ ضربی ناشی از وزن مفاعلهن مفاعلهن و کوتاهی مصراع‌ها و جملات، ناآرامی و اضطراب حاکم را به‌خوبی می‌نمایاند. از مجموع ۱۳۸ واژه‌ی تشکیل‌دهنده‌ی این شعر، ۴۱ واژه (۲۹/۷۱٪) هم بار معنایی یأس‌آلود دارند و هم با علامت‌های جمع آمده‌اند که القاکننده‌ی غلظت فضایی یأس‌آور بر شعر است. سیاه‌ها (۲بار)، کبودها (۲بار)، دودها، خراش‌ها، نیش‌ها، دروغ‌ها، غبارها، شکست‌ها، نبودها، دخمه‌ها، دام‌ها و دودها، نمونه‌هایی از این واژگان هستند. «سیاه پهلوان(جمع پهلو) من/ به دخمه‌ها و دام‌ها/ پیاله‌ها و جام‌ها/ نگاه‌ها، سکوت‌ها/ جویدن بروت‌ها/ شراب‌ها و دودها/ سیاه‌ها، کبودها.» (همان: ۱۲۵) استفاده از قید کثرت «بسا» و «الف کثرت» در پایان واژه‌های دارای بار معنایی یأس‌آمیز، فضای تاریک و حزن‌انگیزی را بر شعر حاکم کرده است. بهره‌گیری هنرمندانه از واژه‌هایی نظیر «شاید»، «کاش» و «اگر» - که قید شک و تردید و حرف شرطند - معنی مورد نظر اخوان ثالث مبنی بر بدبینی به وعده‌های دروغین را نشان می‌دهد؛ همان چیزی که زمینه‌ی غالب سروده‌های وی است: «رفیق‌ها و خویش‌ها/ خراش‌ها و ریش‌ها/ سرابِ نوش و نیش‌ها/ فریبِ شاید و

اگر / چو کاش‌های کیش‌ها / بسا خسا به جای گل / بسا پسا چو پیش‌ها / دروغ‌های دست‌ها / چو لاف‌های مست‌ها / دروغ‌های دست‌ها. «همان: ۱۲۴»

۳.۵. فرار و آوارگی مبارزان و مبارز نمایان

در آن شرایط آشفته و نابسامان، فرار و آوارگی، پدیده‌ای رایج بود؛ به ویژه برای کسانی که به دروغ و برای خوشایند دیگران، خود را مبارز و آگاه نشان داده بودند. اخوان‌ثالث در سروده‌ی «تسلی و سلام»، صراحتاً به این وضعیت اشار می‌کند:

و ز سفله یاوران تو در جنگ کاری به جز فرار نیامد

(اخوان‌ثالث، ۱۳۶۹: ۱۰۹)

در «سرود پناهنده» نیز داستان مردی را روایت می‌کند که با سرودی غمناک و دلی خسته و شکسته راه فرار به کوچه را در پیش گرفته است: «نجواکان به زمزمه، نالان و بی‌قرار / با درد و سوز گرید و گوید / امشب چو شب به نیمه رسد، خیزم / و ز این سیاه‌زویه بگریزم / پنهان ره می‌شناسم و با ذوق می‌روم / و بایدم دویدن، با شوق می‌دوم.» (اخوان‌ثالث، ۱۳۷۰: ۱۲۷) او آواره و بی‌خانمان شده و کسی را یارای پاسخ به وی نیست و هرچه می‌کوشد، هیچ‌کس به فریادش نمی‌رسد: «راهم دهید آی! / پناهم دهید آی! / می‌ترسد این غریب پناهنده / ای قوم! پشت در مگذاریدش / ای قوم! از بهر خدا... گریه می‌کند.» (همان: ۱۳۳)

۳.۶. سکوت و بی‌اعتنایی به اوضاع

پس از کودتا، موضع مردم در برابر آن متفاوت بود؛ اخوان این مواضع را در سه دسته تقسیم و تبیین کرده‌است: «سه ره پیداست / نوشته بر سر هریک به سنگ اندر / حدیثی که ش نمی‌خوانی بر آن دیگر / نخستین: راه نوش راحت و شادی / به ننگ آغشته، اما رو به شهر و باغ و آبادی / دودیکر: راه نیمش ننگ، نیمش نام / اگر سر برکئی غوغا و گردم درکشی، آرام / سه دیگر: راه بی‌برگشت، بی‌فرجام.» (همان: ۱۴۴) بیش‌تر مردم، راه نخست را برگزیدند و آرامش زندگی خود را پریشان نکردند و کم‌کم به روزمرگی دچار شدند. «سرود پناهنده» یکی از اشعار اخوان‌ثالث است که در آن، با تکیه بر جهان‌بینی «خوش‌باشی» و «بی‌اعتنایی»، خیام را نماد افراد بی‌اعتنا و بی‌مسئولیت می‌داند. صفت «سرخوش» نیز با توجه به معنای عامیانه‌ی آن، خالی از طنز و لطیفه

۶۷ _____ بررسی سمبولیسم اجتماعی در سروده‌های دهه‌ی سی مهدی اخوان ثالث...

نیست. اخوان ثالث با ایجاد تقابل میان «خیام» و «ایام»، این واژه (ایام) را استعاره از واقعیات موجود می‌داند که چون روز روشن و آشکار است. او افراد بی‌اعتنا را «رو به خیام» و «پشت به ایام» می‌نامد. «ای لولیان مست به ایام کرده پشت، به خیام کرده رو، / آیا اجازه هست؟» (همان: ۱۴۴) همین معنا را در «فریاد»، سروده‌ی شهریور ۱۳۳۳، آشکارا و بدون بهره‌گیری از هیچ نماد و آرایه‌ای بیان کرده و به طنز آن‌ها را مهربان نامیده است: «خفته‌اند این مهربان همسایگان شاد در بستر / صبح از من مانده بر جا مشت خاکستر / وای، آیا هیچ سر برمی‌کنند از خواب / مهربان همسایگانم از پی امداد؟» (همان: ۷۸)

۳. ۷. پناه بردن به افیون و باده و بنگ

کودتای ۲۸ مرداد برای روشن فکران و مبارزان آگاه، مصیبتی به تمام معنا بود و تحمل آن سخت دشوار. یکی از واکنش‌های رایج در برابر این مصیبت، پناه بردن به باده و افیون و بنگ بود تا در سایه‌ی آن، آرامشی موقتی برای خود به دست آورند و اندوه ناشی از این مصیبت را به فراموشی بسپارند. «کودتای ۲۸ مرداد و پیامدهای آن برای نسل اخوان، بیش از یک شکست سیاسی بود. این شکست، سرآغاز دوره‌ی طولانی وهن و خفت اخلاقی بود که بسیاری از افراد نسل جوان در معرض آن قرار گرفتند. شخص اخوان هم از این اهانت برکنار نماند.» (دریابندری، ۱۳۷۰: ۲۴۹)

اخوان ثالث در چند سروده از جمله «در میکده» (اخوان ثالث، ۱۳۷۰: ۴۹)، «زمستان» (همان: ۹۷)، «نادر یا اسکندر» (اخوان ثالث، ۱۳۸۹: ۲۱)، «غزل ۱» (همان: ۲۷) و «مرداب» (همان: ۴۰)، به باده‌نوشی اشاره می‌کند. نخستین اشاره به باده‌نوشی در سروده‌های دهه‌ی سی اخوان در شعر «در میکده» دیده می‌شود که سروده‌ی اسفند ۱۳۳۳ (حدود دو ماه پس از آزادی از زندان) است. در این ایام، زندگی آنان به‌سختی سپری می‌شده و اخوان ثالث چاره‌ی تسکین دردش را در میخانه می‌جسته است. «در میکده‌ام، بسی چو من این‌جا هست / می‌حاضر و من نبرده‌ام سویی دست» (اخوان ثالث، ۱۳۷۰: ۴۹) پس از مدتی کوتاه، همه می‌روند و او باز تنها می‌ماند و فریادرس می‌جوید و البته نمی‌یابد: «مجروحم و مستم و عسس می‌بردَم / مردی، مددی، اهل دلی آیا نیست» (همان: ۴۹)

در «زمستان» - که سروده‌ی سال ۱۳۳۴ است - مسیحای جوانمرد که همان ترسای پیر پیرهن چرکین است، در میخانه است و اخوان ثالث به او پناه می‌برد: «مسیحای جوانمرد! من! ای ترسای پیر پیرهن چرکین / هوا بس ناجوانمردانه سرد است... آی... دمت گرم و

سرت خوش باد! / سلامم را تو پاسخ گوی، در بگشای.» (همان: ۹۸) در «مرداب»، هدف از پناه بردن به باده را تسکین درد خود می‌داند: «این نه آن آب است کآتش را کند خاموش / با تو گویم، لولی لولِ گریبان چاک / آبیاری می‌کنم اندوه‌زار خاطرِ خود را / ز آن ژلالِ تلخِ شورانگیز / تا کزادِ پاکِ آشناک» (اخوان‌ثالث، ۱۳۸۹: ۴۰)

۴. نتیجه‌گیری

یکی از مؤثرترین وقایع دهه‌ی سی بر تحولات اجتماعی آن دهه، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بود. اخوان‌ثالث با بهره‌گیری از سمبولیسم اجتماعی، اوضاع اجتماعی آن دهه، به ویژه کودتای ۲۸ مرداد و پیامدهای آن را به خوبی در شعر خود منعکس کرده است. سقوط دولت مصدق و بر باد رفتن آرزوهای شاعر، کشتارها، اعدام‌ها، زندانی شدن‌ها، فرار مبارزان و مبارز نمایان از صحنه و مسایلی از این دست که پیامدهایی چون سکوت و در لاک خود خزیدن، بی‌اعتنایی عامه‌ی مردم به اوضاع، فقر، بی‌کاری و پناه بردن به افیون و باده بود، به خوبی در سروده‌های نمادین اخوان‌ثالث متجلی شده است. در واقع اخوان‌ثالث با بهره‌گیری از ظرفیت‌های زبانی شعر فارسی و برخورد هنری با موارد یادشده، نشان داده آن‌جا که تاریخ از نگارش و بازتاب رویدادها بازمی‌ماند، ادبیات - به‌ویژه ادب نمادین - رسالت تاریخی را بر دوش می‌کشد و به ادای حق آن می‌پردازد.

فهرست منابع

آبراهامیان، یرواند. (۱۳۸۹). *تاریخ ایران مدرن*. ترجمه‌ی محمدابراهیم فتّاحی. تهران: نی.

احمدپور، علی. (۱۳۸۸). «م. امید (مهدی اخوان‌ثالث) در میانه‌های یأس و امید». *بهارستان سخن*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی، سال ۵، شماره ۱۴، صص ۷۱-

۹۰.

اخوان‌ثالث، مهدی. (۱۳۸۹). *آخر شاهنامه*. تهران: زمستان.

اخوان‌ثالث، مهدی. (۱۳۶۹). *ارغنون*. تهران: مروارید.

اخوان‌ثالث، مهدی. (۱۳۷۰). *زمستان*. تهران: مروارید.

۶۹ _____ بررسی سمبولیسم اجتماعی در سروده‌های دهه‌ی سی مهدی اخوان ثالث... _____

امینی، جهانگیر و نعمتی، فاروق. (۱۳۹۰). «دغدغه‌های سیاسی در شعر بدر شاکر سیّاب و مهدی اخوان ثالث». *نقد و ادبیات تطبیقی دانشگاه رازی کرمانشاه*، سال ۱، شماره ۲، صص ۷۱-۹۸.

براهنی، رضا. (۱۳۷۳). *رؤیای بیدار*. تهران: قطره.

براهنی، رضا. (۱۳۷۱). *طلا در مس*. تهران: مؤلف.

براهنی، رضا. (۱۳۷۳). *کیمیا و خاک*. تهران: مرغ آمین.

بهبهانی، سیمین. (۱۳۷۰). *ناگه غروب کدامین ستاره (یادنامه‌ی مهدی اخوان ثالث)*. تهران: بزرگمهر.

پارسا، سیداحمد. (۱۳۸۸ الف). «گزارش نهایی طرح سمبولیسم اجتماعی در سروده‌های اخوان ثالث». *دانشگاه کردستان*، در حال چاپ.

پارسا، سیداحمد. (۱۳۸۸ ب). «بررسی سروده‌ی نادر یا اسکندر اخوان ثالث». *نشریه‌ی بوستان ادب دانشگاه شیراز*، شماره ۱، صص ۳۵-۴۸.

پورنامداریان، تقی و دیگران. (۱۳۸۹). «بررسی و تأویل چند نماد در شعر معاصر». *ادبیات پارسی معاصر*، سال ۲، شماره ۱، صص ۲۵-۴۸.

پیرنیا، حسن و دیگران. (۱۳۸۹). *تاریخ ایران*. تهران: صدای معاصر.

تسلیمی، علی. (۱۳۸۷). *گزاره‌هایی در ادبیات معاصر (شعر)*. تهران: اختران.

چناری، عبدالأمیر. (۱۳۸۱). «منظومه‌ی شکار مهدی اخوان ثالث». *پژوهش‌نامه‌ی علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی*، شماره ۳۳، صص ۹۷-۱۱۲.

حسن‌لی، کاووس. (۱۳۸۳). *گونه‌های نوآوری در شعر معاصر*. تهران: ثالث.

حقوقی، محمّد. (۱۳۸۳). *مهدی اخوان ثالث (شعر زمان ما)*. تهران: نگاه.

خسروی، حسین. (۱۳۸۹). «نقد فرمالیستی شعر زمستان اخوان ثالث». *پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد*، سال ۱، شماره ۱، صص ۷۵-۱۱۳.

دریابندری، نجف. (۱۳۷۰). *باغ بی‌برگی (یادنامه‌ی مهدی اخوان ثالث)*. تهران: ناشران.

رجبی، فرهاد. (۱۳۸۹). «دغدغه‌های اجتماعی شعر عبدالوهاب البیاتی و مهدی اخوان ثالث». *زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد*، شماره ۱۶۶، صص ۴۷-۷۵.

زرقانی، سیدمهدی. (۱۳۸۳). *چشم‌انداز شعر معاصر ایران*. تهران: ثالث.

شفیعی کدکنی، محمّدرضا. (۱۳۸۷). *ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت*. تهران: سخن.

۷. _____ مجله‌ی شعرپژوهی (بوستان ادب) / سال ۶، شماره‌ی ۱، بهار ۹۳ (پیاپی ۱۹)

- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۱). *حالات و مقامات م. امید*. تهران: سخن.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۰). *ناگه غروب کدآمین ستاره (یادنامه‌ی مهدی اخوان ثالث)*. تهران: بزرگمهر.
- شمیسا، سیروس و حسین پورچافی، علی. (۱۳۸۰). «جریان سمبولیسم اجتماعی در شعر معاصر فارسی». *مدرّس علوم انسانی*. شماره ۳، صص ۲۷-۴۲.
- عاقلی، باقر. (۱۳۷۶). *روزشمار تاریخ معاصر ایران*. تهران: گفتار.
- فرخزاد، فروغ. (۱۳۷۰). *ناگه غروب کدآمین ستاره (یادنامه‌ی مهدی اخوان ثالث)*. تهران: بزرگمهر.
- فرخی یزدی، محمّد. (۱۳۶۳). *دیوان اشعار*. به کوشش حسین مکی. تهران: دانشگاه تهران.
- فولادی، غلامرضا. (۱۳۸۴). «لکه ابر آفاق نومی‌دی». *بیک نور علوم انسانی*. شماره ۳، صص ۱۳-۲۶.
- کاخی، مرتضی. (۱۳۷۱). *صدای حیرت بیدار*. تهران: زمستان.
- مختاری، محمّد. (۱۳۷۲). *انسان در شعر معاصر*. تهران: توس.
- نوری، علی و گنجوری، احمد. (۱۳۹۰). «معنا، زبان و تصویر در شعر آخر شاهنامه از مهدی اخوان ثالث». *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی*، شماره ۲۲، صص ۱۱۳-۱۴۵.